

الگوی سلامت نفس نزد نصیرالدین طوسی

تحلیل سلامت نفس و فضیلت به مثابه نخستین قدم در تحقق انسان خوب

فرشته ابوالحسنی نیارکی*

هاشم قربانی**

چکیده

تحلیل سلامت نفس و تبیین ویژگی‌های آن مسئله‌ای انسان‌شناختی در اندیشه متفکران مسلمان بوده است. نصیرالدین طوسی در آثار اخلاقی خویش، نظریه‌سازی ویژه‌ای در باب سلامت نفس انجام داده است. در این جستار، با تصویرسازی الگوی طوسی از سلامت نفس کوشیده‌ایم تحلیلی جامع از این مسئله در آثار وی عرضه کنیم. سلامت نفس در اندیشه طوسی، شرط لازم کمالات بالادستی محسوب می‌شود. در نظریه کمال‌محور طوسی، درمان امراض و رذایل و تأکید بر سلامت نفس (طب‌انگاری اخلاق) نقش بسزایی دارد. فضیلت مؤلفه مهم سلامت در تفکر طوسی است. وی در تحلیل این مسئله ناظر به تحقق‌داشت انسان سالم و مطلوب سخن می‌گوید و معیارهای وی معطوف به آن است، نه انسان آرمانی و عرفانی. تحلیل‌های طوسی متفاوت با نظریه‌های سلامت نفس، نظیر نظریه زکریای رازی، است. در این جستار از جایگاه طب روحانی در نظریه اخلاقی طوسی، تصویرسازی طوسی از امراض نفس و سلامت، راهکارها و الگوهایی که وی مطرح کرده است سخن می‌گوییم و با توجه به اخذ مؤلفه فضیلت در تحلیل سلامت به چپستی فضیلت و تحلیل قوای نفس و تفسیرهای مختلف طوسی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: طوسی، سلامت نفس، فضیلت، الگو، طب روحانی.

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول: f.abolhasani@umz.ac.ir)

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

طرح مسئله

نظریه‌های اخلاقی اندیشمندان مسلمان بر مؤلفه‌ها و سازوکارهای خاصی مبتنی است که بازشناسی و بازسازی آنها در طراحی نظریه‌های بومی اسلامی مؤثر است. دشواری انطباق نظریه‌های اخلاقی تمدن اسلامی با طبقه‌بندی‌های مکاتب اخلاقی غرب، سبب جست‌وجو از نوعی دیگر از طبقه‌بندی مکاتب اخلاقی متناسب با آموزه‌های اسلامی است. بر این اساس، دو نوع طبقه‌بندی بر مبنای روش و بر حسب مبنا و جهت‌گیری مطرح شده است. دیدگاه‌های اخلاقی تمدن اسلامی را غالباً بر مبنای روش به مکاتب ۱. عقلی فلسفی، ۲. درون دینی، ۳. عرفانی سلوکی و ۴. تلفیقی تقسیم می‌کنند (احمدپور و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۷-۶۰). در گونه دوم، نظریه‌های سلامت‌محور فردگرایانه و سلامت‌محور جامعه‌نگر، کمال‌محور فردگرایانه، کمال‌محور جامعه‌گرایانه و کمال‌محور وجودی‌نگر و اخلاق حقوق‌محور قرار دارد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۱، مقدمه کتاب). رازی در *الطب الروحانی* (۱۹۷۳: ۲۰) و بلخی در *مصالح الابدان والانفس* (۱۴۰۵، مقاله دوم)، با جهت‌گیری سلامت‌محور، رذایل اخلاقی را (به مثابه بیماری‌های نفس) می‌داند و راه تشخیص، پیش‌گیری و درمان را مطرح می‌کند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۱). فارابی در *فصول منتزعه* (۱۴۰۵: ۵) این انگاره (طب‌انگاری اخلاق) را در مقیاس سلامت جامعه مطرح می‌کند. *رسالة الحقوق* امام سجاد و *بحار الانوار* مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ۷۲ و ۷۳) نمودی از اخلاق ناظر به حقوق افراد است. اندیشمندانی نظیر ابن‌سینا و ابن‌مسکویه رازی نیز به کمالات نفس معطوف‌اند. بر اساس تقسیم دوم، توجه به تمایز غایت‌نهایی از غایات درجه دوم و ابزاری ضروری است. تعیین‌کننده محور هر نظریه، غایت‌نهایی است (برای انواع غایات و خیرهای غیراخلاقی، نک: فرانکن، ۱۳۷۶: ۱۷۹؛ ارسطو، ۱۳۸۱: ج ۱، ۶۲ و ۶۳).

در این جستار، سلامت نفس در دیدگاه نصیرالدین طوسی را تبیین می‌کنیم. سلامت نفس رکن مهمی در تصویرسازی نظریه اخلاقی طوسی است. غایت‌نهایی اخلاق‌نگاری طوسی در نوشته‌های متقدم نظیر *اخلاق محتشمی و اخلاق ناصری* و برخی رسائل همچون *الرسالة النصیریة*، «سعادت» است و در آثار عرفانی سلوکی، به‌ویژه آثار متأخر نظیر *اوصاف الاشراف*، «کمال‌محور» است. سعادت، ادراک کمالات نفس ناطقه و لذت از آن است. طوسی برای نیل به این غایت (سعادت)، از مراحل و مراتب استکمال آدمی سخن می‌گوید. کمال دوم‌رتب است (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۲، ۶۸، ۸۶، ۸۸)؛ از مراتب پایین‌دستی، یعنی معالجه رذایل و بیماری‌های نفس، سلامت نفس و کسب فضایل آغاز می‌شود تا به کمالات بالادستی، قرب الی الله می‌انجامد. ادراک کمال (لذت) نیز دارای مراتب است. اخلاق نزد طوسی مجموعه‌ای از نظریه‌ها، ارکان و مؤلفه‌هایی است که به منزله مراحل و مراتب طولی، در انسجامی علی و ارتباطی ضروری، در سیری از نقصان به وجدان،

معطوف به غایت نهایی (تقرب به خدا) است و آن غایت، شامل تمامی مراحل و مراتب است. این بازتعریف، در شناسایی سلامت نفس نزد طوسی اهمیت دارد و موجب تمایز او از اندیشمندانی نظیر زکریای رازی می‌شود. طوسی در تمامی نوشته‌های اخلاقی، الگوی عملی و کاربردی از مراحل سیر و چگونگی حصول هر مرتبه مطرح کرده است. در چنین سیری هر یک از مراتب می‌تواند به عنوان غایت فرض شود. طوسی در آثار عرفانی سلوکی، نظیر شرح اشارات (نمط نهم) و اوصاف الاشراف، در نیل به آرمان، الگو معرفی می‌کند، ولی در برخی از نوشته‌های خود، به‌ویژه نوشته‌های متقدم، نظیر اخلاق محتشمی و اخلاق ناصری یا الرسالة النصیریة علی‌رغم اشاره به آرمان نهایی (برای نمونه نک: ۱۳۸۷: ۱۲۴ و ۱۲۵، ۱۴۹، ۲۷۸)، بر مراتب و غایات پایین‌دستی انگشت نهاده و فقط تا نیل به آن مرتبه معین، سخن گفته است. طوسی در اخلاق پژوهی، صرفاً در مقام غایت اخلاق‌ورزی نیست بلکه فراتر از آن، الگویی برای نوعی زیست آرمانی به دست می‌دهد. بنابراین، اخلاق نزد طوسی با آنچه امروز از اخلاق معطوف به رفتار و ارزش‌های اخلاقی و طبقه‌بندی‌های رایج نظریه‌های اخلاقی می‌نویسند، فراتر است. مراتب گوناگون کمالات انسان، سبب مطرح‌شدن الگوهای متنوع در اخلاق‌نگاری طوسی است. طوسی در مراتب پایین‌دستی کمال، به معالجه امراض نفس، و سپس نیل به سلامت و تحلی به فضایل می‌پردازد. بر این اساس، طب‌انگاری اخلاق، یعنی ازاله رذایل (معالجت امراض نفس) و محافظت فضایل (حفظ سلامت نفس) (۱۳۸۷: ۱۵۲ و ۱۵۳) در مراحل آغازین سیر کمالی است.

در این جستار، به نظریه اخلاقی و مراحل سیر استکمالی انسان پرداخته نمی‌شود؛ بلکه هدف این مقاله، تبیین سلامت نفس انسان است. بحث سلامت نفس نسبت به مباحث استکمال و سعادت، وجه کاربردی بیشتری دارد؛ زیرا در بحث از سعادت و استکمال، بالاترین مدارج نظیر تشبه و تخلق به اخلاق الهی الگوپردازی می‌شود، اما در بحث از سلامت نفس، اولین و حداقلی‌ترین مرتبه نفس بررسی می‌شود و از این‌رو مناسب برای انسان امروزی و مخاطب عام است. هرم ارزشی مراتب استکمال اخلاقی نزد طوسی، از مراتب پایین‌دستی تا بالاترین مراتب تعیین پایین‌ترین حد تحقق انسان خوب را شامل می‌شود. وی پایین‌ترین و ابتدایی‌ترین مرحله را سلامت نفس می‌داند. این تحلیل، مناسب با انسان مطلوب عادی و نه انسان کامل عرفانی دست‌نیافتنی است؛ الگوی مرحله به مرحله فرآیند استکمال‌پذیری نزد اندیشمندان مسلمان، ناظر به انسان کامل و مدارج بالای انسانی است و عملاً انسان امروزی را به دلیل دست‌نیافتنی بودن

معنویت و الگوی استکمال انسانی جلب نمی‌کند. این در حالی است که نظریه‌های سلامت نفس در پی الگوی عملیاتی برای انسان مطلوب عادی است و نه صرفاً طریق اولیای الاهی. طوسی صرفاً در *اخلاق ناصری*، به تبعیت از ابن‌مسکویه در *تهذیب الاخلاق*، به نحو مستقل، به طب روحانی پرداخته است، گرچه در دیگر آثار نظیر *شرح اشارات* (۱۳۷۵، ج ۳: ۳۸۹) و *اوصاف الاشراف* (۱۳۶۱ ب: ۹۱) نیز از ترکیه و تخلیه از آلام و امراض نفسانی سخن گفته است. سلامت نفس اولین قدم در مسیر کمال و سعادت (۱۳۸۷: ۱۴۹ و ۱۵۳) و پیش‌شرط نیل به مراتب بالادستی است (همان: ۶۷). حفظ سلامت نفس متوقف بر معالجه بیماری‌ها و رذایل نفس است. طب اخلاقی نزد طوسی، گذر از وضعیت نامطلوب (رذایل، برون‌شدن از اعتدال و بیماری) به وضعیت طبیعی (فضایل، وضعیت مطابق طبیعت) و از وضعیت طبیعی اولیه، به وضعیت مطلوب (حفظ سلامت و ملکه‌گردانیدن فضایل) است. وضعیت عالی، در کسب کمالات بالادستی است که در طب روحانی نمی‌گنجد؛ بلکه در آثاری چون *اوصاف الاشراف* بیشتر متجلی است. به دست دادن ملاک، سنجش‌پذیری و قابلیت ارزیابی از نکات مثبت نظریه طوسی در سلامت نفس است. سنجش‌پذیری از مهم‌ترین عوامل عملیاتی کردن فرآیند استکمال اخلاقی است که با عرضه ملاک، برای تعیین مصداق و تمایز خارجی امکان‌پذیر است.

۱. طب روحانی نزد طوسی؛ معالجه بیماری‌ها و سلامت نفس

طب روحانی نزد طوسی شامل دو بخش است: ۱. معالجه بیماری‌ها و رذایل نفس؛ ۲. حفظ سلامت نفس (محافظت از فضایل) (۱۳۸۷: ۱۵۳). به اعتقاد طوسی، برخی از حکما، این صناعت را (صناعت تکمیل نفوس انسانی و اخلاق) طب روحانی می‌خوانند. طوسی اخلاق را صناعت تکمیل نفوس انسانی قلمداد می‌کند و طب‌انگاری اخلاق را به دیگر حکما و نه بیان خود، ارجاع می‌دهد. بر این اساس، طب روحانی بخشی از اخلاق طوسی است و نه همه آن (همان). طوسی در *اخلاق ناصری* فصلی برای «حفظ صحت نفس» (همان: ۱۵۵-۱۶۶) و فصلی را برای «معالجت امراض نفس» (همان: ۲۰۲-۱۶۷) اختصاص داده است. وی در دیگر آثار نیز از رذایل به عنوان بیماری‌ها نام برده (طوسی، ۱۳۶۳: ۶۸؛ همو، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۸۹، ۴۰۶) و ازاله رذایل را «معالجه» می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۳). طوسی گاه از «سلامت» (همان: ۶۸) و گاه از «صحت» (همان: ۷۵، ۷۶، ۸۵، ۱۵۵؛ طوسی، ۱۳۶۱ الف: ۴۶۱ و ۴۷۸ و ۴۷۹) می‌نویسد. در *تجريد الاعتقاد*، «صحت و مرض» را به عنوان یکی از کیفیات نفسانی می‌آورد (۱۴۰۷: ۱۷۷). دیدگاه طوسی (۱۳۸۷: ۱۵۵-۲۰۲) نظیر دیدگاه ابن‌مسکویه در *تهذیب الاخلاق* (۲۱۶-۲۶۲) است. در این مقام می‌توان مسائلی را مطرح کرد: ۱. جایگاه طب روحانی (معالجه بیماری‌ها و سلامت نفس) در نظریه اخلاقی طوسی چیست؟ ۲. تصویرسازی طوسی از

بیماری‌ها و سلامت نفس چیست؟ طوسی سلامت نفس را در چه می‌داند؟ ۳. ملاک‌ها و نشانگرهای سلامت کدام است؟ ۴. الگو و راهکارهای طوسی در معالجه بیماری‌های نفس، و راه‌های نیل به سلامت و حفظ آن چیست؟

۱. ۱. جایگاه معالجه بیماری‌ها و سلامت نفس در نظریه اخلاقی طوسی

طوسی در *اخلاق ناصری* در پی مطرح کردن نظریه‌ای است که غایتش کمال و سعادت است. وی کمال و سعادت را دارای مراتب می‌داند (۱۳۸۷: ۶۲، ۶۸، ۸۶، ۸۸، ۸۹-۹۱) و از راه‌های نیل به هر یک از مراحل سخن می‌گوید (همان: ۱۴۹-۱۵۴). معالجه رذایل و بیماری‌های نفس و حفظ صحت نفس به عنوان اولین قدم و شرط لازم نیل به مراتب بالادستی است (همان: ۶۷ و ۷۵-۷۶). در این صنعت، معالجه رذایل مقدم بر حفظ صحت نفس است و هر دو پیش‌زمینه کمالات فراترند. این مطلب قابل مقایسه با دیدگاه‌های طب‌انگاران اخلاق نظیر نظریه اخلاقی زکریای رازی است که امری فراتر از سلامت نفس را مد نظر قرار نمی‌دهند (نک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱، فصل نهم). در *اوصاف الاشراف* اگرچه متوجه سلوک عرفانی و مراتب بالادستی کمال است، اما از معالجه رذایل غفلت نمی‌کند و یکی از مراحل کمال را به ازاله عوایق و قطع موانع سلوک اختصاص داده است (طوسی، ۱۳۶۱ ب: ۹۱). مقدم‌بودن تهذیب اخلاق و دوری از رذایل بر دیگر مراتب کمال در *روضه التسلیم* یا همان *تصورات* نیز آمده است (۱۳۶۳: ۸۵).

طب روحانی علاوه بر معالجه رذایل، بر حفظ سلامت نفس نیز تأکید می‌کند. طوسی در مواضعی، سلامت نفس را یکی از مراحل کسب سعادت می‌داند. این دو در طب روحانی، از شرایط کسب کمالات بالادستی است. در *شرح اشارات*، نمط نهم، تزکیه و معالجه امراض نفس را مقدم بر تحلیه بر اوصاف و فضایل و کمالات بالادستی می‌داند (۱۳۷۵، ج ۳: ۳۸۹). در *اخلاق ناصری* می‌نویسد: «همچنین کمال را مراتب است زیادت از نقصان، که عبارت از آن گاه سلامت و سعادت است و گاه به نعمت و رحمت، و گاه به ملک باقی و سرور حقیقی و ... تا رسیدن به جوار رب‌العالمین و یافتن شرف مشاهده جلال او در نعیم مقیم» (۱۳۸۷: ۶۸). در *اساس الاقتباس* می‌نویسد: «چه صحت غایت است به نزد یک جمهور و فضیلت سبب سعادت است و به حقیقت بهتر از صحت» (۱۳۶۱ الف: ۴۷۹).

۲. ۱. مفهوم سلامت و بیماری‌های نفس نزد طوسی

طوسی در آثار خود، از واژگان «سلامت نفس» و «صحت نفس» استفاده می‌کند. اما تعریفی از سلامت و صحت نفس به دست نمی‌دهد. وی صرفاً در مقام بیان راهکارهایی عملی در اکتساب

صحت نفس و حفاظت از آن است. تعریف طوسی از بیماری‌های نفس، ما را به مفهوم «سلامت» می‌رساند. طوسی در مقام معرفی طب روحانی، وجه تسمیه این صنعت را به طب، اقتدا به طبیعت می‌داند. اقتدا به طبیعت نفس، متأثر از دیدگاه قدما در طب و علوم طبیعی است (۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۳). همان‌طور که در طب دو قسم فعالیت، حفظ صحت و ازاله علت (و معالجه بیماری)، صورت می‌گیرد، طب روحانی نیز شامل دو فن است: «آنچه مقتضی محافظت فضیلت بود و آنچه مقتضی ازاله رذیلت» (همان). طوسی «حفظ صحت نفس» را «محافظت فضایل» (همان: ۱۵۵) و «معالجت امراض نفس» را «ازالت رذایل» (همان: ۱۶۷) می‌داند. بنابراین، سلامت نفس در فضیلت، و بیماری نفس در رذایل است. حفظ فضیلت در طب روحانی، فراتر از فضیلت است؛ زیرا فرد دارای سلامت، فردی دارای فضیلت و اعتدال است، در حالی که محافظت فضایل و حفظ صحت نفس، امری ورای آن (ملکه‌گرداندن فضایل) است (همان: ۱۵۵).

بر این اساس، عملکرد طب روحانی معطوف به سلامت نفس، یعنی اقتدا به طبیعت، است. طب روحانی با ناظر بودن بر طبیعت و فضیلت، برون‌شد از چنین حالتی (طبیعت و سلامت) را (رذایل) معالجه می‌کند و در حفظ چنین حالتی (سلامت) می‌کوشد (همان: ۱۵۳). اگر طب روحانی معطوف به سلامت نفس و عملکرد او بر اقتدا به طبیعت است و اقتدا به طبیعت، بر اساس مبانی طبی قدیم، رعایت اعتدال باشد، سلامت نفس بسان سلامت بدن که در اعتدال مزاج است، همان اعتدال نفسانی است. آن اعتدال، فضیلت است؛ زیرا فضیلت نزد طوسی، بسان ارسطو، همان عملکرد معتدل قوا یا امری حاصل از آن، از طریق رعایت حد وسط است و تضمین‌کننده این اعتدال، عقل عملی است. بنابراین، فضیلت که همان اعتدال قوای نفسانی است به معنای سلامت نفس است و رذایل که برون‌شدن از حالت اعتدال است، امراض نفس‌اند. طوسی بیماری‌های نفس (رذایل) را مقابل فضایل در سمت افراط و تفریط می‌داند (همان: ۱۶۸). به زعم طوسی، مقتضی طبیعت نفس، سلامت است و رذایل و بیماری‌ها، ثانوی و بیرون از مقتضای طبیعت است. فرض طوسی بر آن است که انسان در وضعیت عادی و بر اساس طبیعت و ذات، در حالت سلامت است و بیماری‌ها و رذایل، امور عرضی و زودنی‌اند.

این تفسیر از طب روحانی، با اخلاق‌نگاری طب‌انگارانه و سلامت‌محور متفاوت است. مقایسه دیدگاه طوسی با زکریای رازی، بیانگر این است که رازی دست‌یابی به سلامت نفس را از طریق شناخت اموری می‌داند که سلامت نفس را تهدید می‌کند. وی در پانزده فصل، از مواضعی که نفس سالم نیست (بیماری‌های نفس یا رذایل اخلاقی) سخن گفته است. بحث رازی صرفاً معطوف به بیماری‌های نفس است و بحث از فضایل را به میان نمی‌آورد. وی سلامت نفس را در مفهومی سلبی به معنای «نبود بیماری» می‌داند و طب روحانی و اخلاق را به معالجه بیماری‌های نفس تحویل

می‌کند. البته به نظر برخی نویسندگان، نظریه اخلاقی رازی صرفاً عبور از وضعیت موجود (بد) به وضعیت مطلوب (خوب) نیست؛ بلکه همان‌گونه که در طبابت جسم بیان می‌شود، وضعیت اولیه و طبیعتِ نفس، سلامت است و تلاش عالم اخلاق همانند پزشک در درجه اول پیش‌گیری از مخاطرات سلامتِ نفس است. وضعیت مطلوب که حفظ یا دستیابی به آن هدف اخلاق است، سلامت است (نک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱). بر این اساس، از نظر رازی، پیش‌گیری از بیماری‌های نفس و معالجه آن، هدف طبیب روحانی است، حال آنکه طوسی از فضایل، اکتساب فضایل و سپس محافظت از آنها می‌نویسد. و بحث از معالجتِ رذایل، در درجه دوم است. فضایل حالت سلامت نفس است و حالت طبیعت و نه حالت مطلوب، بلکه محافظت از فضایل و ملکه‌گرداندن آن یعنی نیل به اخلاق، مطلوب است.

بر این اساس، نفس در سه حالت قرار دارد و این سه حالت سازنده «طب روحانی» در طوسی است:

- | |
|---|
| <p>(۱) بیماری: وضعیت نامطلوب (فقدان اعتدال قوا)
 (۲) سلامت: وضعیت مطابق طبیعت (فضایل؛ اعتدال قوا و حد وسط بر اساس عقل عملی)
 (۳) وضعیت مطلوب: خُلق (حفظ سلامت و ملکه‌گرداندن فضایل)</p> |
|---|

فراتر از وضعیت مطلوب، وضعیت عالی که همان استکمال در کمالات و سعادات بالادستی است، در نظریه اخلاقی طوسی نیز نقش بازی می‌کند که از طب روحانی خارج است. بر این اساس، اهمیت تعریف اخلاق (خُلق) به ملکه نزد طوسی آشکار است. طوسی تعریف این مسکویه از ماهیت خلق را تغییر می‌دهد. ابن مسکویه خلق را حال برای نفس می‌خواند (۱۳۸۱: ۸۴)، در حالی که طوسی به تغییر «حال» به «ملکه»، یعنی تحلیل خلق به امری پایدار برای نفس، می‌پردازد (۱۳۸۷: ۱۰۱). زیرا به زعم طوسی، خلق، مطابق با طبیعت و فطری نیست (همان: ۱۵۰) بلکه صناعی و اکتسابی، البته با اقتدا به طبیعت، است (همان: ۱۰۳). بر این اساس، خُلق، فضیلت ملکه‌شده است. فضیلت، سلامت و امر مطابق با طبیعت است ولی خلق، حفظ و ملکه‌گرداندن فضایل و فراتر از سلامت و حالت اعتدال نفس است. فارابی در *فصول منتزعه*، سلامت نفس را با همان تعریف خلق که طوسی مطرح می‌کند (همان: ۱۰۱) می‌آورد: «سلامت نفس آن است که هیئات نفس و اجزاء آن به گونه‌ای باشند که انسان همیشه امور خیر، حسن و افعال زیبا به وسیله آنها انجام دهد» (فارابی، ۱۴۰۵: ۲۳). البته فارابی هیئات نفسانی را که انسان به وسیله آنها خیر و افعال زیبا انجام می‌دهد، فضایل، و هیئات مقابل را رذایل می‌نامد (همان: ۲۴). همچنین،

طوسی در *اساس‌الاعتدال*، فضیلت را نه فقط حالت اعتدال قوا بر اساس قانون وسط، بلکه ملکه می‌خواند و فضیلت را همان خُلق می‌شمرد و این تحلیل با تحلیل *اخلاق ناصری* در تفاوت سلامت (فضیلت) و خلق متفاوت است (۱۳۶۱ الف: ۵۵۲).

طوسی در *اخلاق محتشمی*، برخلاف رازی در *طب روحانی*، صرفاً معطوف به رذایل نیست. بلکه بحث از فضایل و زمینه‌سازی برای کسب سعادت است (۱۳۷۷: ۵). طوسی در *اوصاف الاشراف*، چون از کمال اهل سلوک و خواص سخن می‌گوید، توجهی به رذایل ندارد و از ملکات و کمالات بالادستی می‌نویسد. صرفاً در موضعی، بحث از بیماری‌ها و رذایل به نحو درجه دوم، یعنی قطع موانع سلوک، آمده است.

۱.۳. ملاک سلامت

ملاک تمایز مصداقی سلامت چیست و چگونه می‌توان سلامت فرد را سنجید؟ سنجه سلامت از تحلیلی که از تصویرسازی طوسی در باب سلامت مطرح کردیم، قابل رصد است. در تحلیل سنجه سلامت، به اصلی‌ترین ملاک و زیرملاک‌های آن می‌پردازیم. طوسی فعل مطابق با طبیعت را (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۲) ملاک سلامت می‌داند. مطابق با مبادی طبی طوسی، اقتدا به طبیعت، یعنی اعتدال قوا بر اساس قانون اعتدال مزاج در طب بدنی (همان: ۱۶۳ و ۱۵۵). اصلی‌تر از ملاک نخست، مطابقت با صورت انسانیت است که سلامت را در دوری از افعال مقتضی صورت حیوانیت و نباتیت تصویر می‌کند (همان: ۶۶-۶۷) و در موضعی دیگر در بیان اسباب حفظ صحت نفس می‌نویسد:

و این معنا به جای ریاضت بدنی است در طب جسمانی، و مبالغت اطبای نفس در تعظیم امر این ریاضت از مبالغت اطبای بدن در تعظیم نفی آن ریاضت بیشتر باشد، چه نفس چون از مواظبت نظر معطل شود [نظریات نفس ناطقه]، ... و چون از حلیت عمل عاقل گردد [عملیات نفس ناطقه]، این عطلت و تعطیل مستلزم انسلاخ از صورت انسانیت و رجوع با رتبت بهایم بود (همان: ۱۵۷-۱۵۶).

با این بیان، اولین ملاک، انجام‌دادن فعل بر اساس مقتضی نفس ناطقه است و اعتدال قوا که برآمده از همان تبعیت از نفس ناطقه و اقتدا به صورت انسانیت است، در مرتبه دوم قرار دارد.

تصویرسازی طوسی از اعتدال قوا در آثار وی متنوع است. در برخی از مواضع، اعتدال قوا یعنی تبعیت نفس بهیمی و سبعی از نفس ناطقه بر اساس نوعی عقل‌گرایی افلاطونی (همان: ۵۶-۵۸ و ۷۶-۷۹) و در موضعی اعتدال قوا، مطابق با دیدگاه ارسطویی، یعنی نیل به فضیلت از طریق نگاه‌داشتن حد وسط و دوری از افراط و تفریط بر اساس بایدها و نبایدهای عقل عملی (همان: ۱۲۱-۱۰۸). بر این اساس، ملاک اصلی در تمایز مصداقی سلامت، ابتدا انجام‌دادن فعل مقتضی صورت انسانیت، یعنی اعتدال قوا بر اساس اقتدا به طبیعت است و زیرملاک آن در موضعی تبعیت از عقل (افلاطونی) و در موضعی، توسط و دوری از افراط و تفریط (ارسطویی) است. طوسی در

مواضعی، سلامت را نسبت به آرمان اخلاق می‌سنجد، یعنی سلامت در گرو دوری و نزدیکی افعال فرد در نسبت با غایت اخلاق است (همان: ۱۵۷).

۱.۴. اسباب بیماری‌ها و تبیین علل گرایش به رذایل

سلامت یا فضیلت، وضعیت عادی نفس است و بودن شخص در وضعیت اعتدال و شوق به فضیلت تبیین‌پذیر نیست. در حالی که خروج از وضعیت اعتدال، یعنی بیماری‌ها و رذایل نفس، محتاج علت است. همچنین، گرایش افراد به رذایل، محتاج تبیین است. طوسی در *اخلاق ناصری*، به اسباب رذایل و امراض نفس می‌پردازد. علت بیماری‌های نفس، به نحو کلی و به نحو خاص (هر بیماری جداگانه)، بیان شده است. اسباب انحرافات نفسانی، یا نفسانی است یا جسمانی، و با برطرف شدن علت انحراف، فرد به حالت عادی و سلامت باز می‌گردد (همان: ۱۷۰). طوسی در *اخلاق ناصری*، علل گرایش افراد به رذایل را تبیین کرده است. او گرایش به رذایل را به سبب مرکوز بودن محبت لذات بدنی و جسمانی در طبیعت انسانی تبیین می‌کند (همان: ۱۵۶). در آغاز و انجام، به سه امر اشاره کرده است: ۱. شوائب طبیعت، مانند شهوت و غضب و توابع آن از حب مال و جاه و غیر آن؛ ۲. وسوس عادت مانند تسویلات نفس اماره و تزئینات اعمال غیرصالحه به سبب خیالات فاسده و اوهام کاذبه؛ و ۳. نوامیس امثله، مانند متابعت غولان آدمی‌پیکر و تقلید جاهلان عالم‌نما و اجابت استغواء و استهواء شیاطین جن و انس و مغرور شدن به خدع و تلبیسات ایشان (طوسی، ۱۳۷۴: ۶).

۱.۵. الگو و راهکارهای درمان بیماری‌های نفس

طوسی با نگاهی طبیبانه در پی معالجه امراض و رذایل نفس است. وی در بحث از معالجه بیماری‌ها، اصلی کلی دارد و بر اساس آن، قانون کلی عرضه می‌کند. آنگاه بر اساس اصل و قوانین کلی، به مراحل درمان اشاره می‌کند. فرآیند درمان، بیان راهکارهایی عملی در معالجه است. طوسی سپس به بیماری‌های مهلکه نفس می‌پردازد و هر یک را به طور خاص بر اساس این راهکارها و فرآیند درمان به بحث می‌گذارد.

۱.۵.۱. اصل کلی در درمان بیماری‌ها

طوسی تعریفی از بیماری‌های نفس مطرح کرده است: «امراض، انحرافات امزجه باشد از اعتدال» و سپس معالجه را به «رد آن [بیماری‌ها] با اعتدال به حیلت صنعایی» تحلیل می‌کند (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۸). بر این اساس، حالت عادی و طبیعی اعتدال قوا است و خروج از آن بیماری نفس و بازگشت به اعتدال، معالجه آن است. بنابراین، تلاش طوسی در درمان بیماری‌های نفس،

بازگرداندن آن به اعتدال است. اعتدال نزد طوسی در وسط، و فقدان اعتدال در افراط و تفریط و رذائت (انحراف در کیفیت) است (همان). اصل کلی در معالجه بیماری‌های نفس، ازاله و معالجه رذایل به اضرار آن است (همان: ۱۶۷). طوسی در تحلیل ضد می‌نویسد: «ضد آن دو موجود باشند در غایت بعد از یکدیگر» (همان: ۱۶۸). از آنجا که وسط یکی است و رذایل اطراف آن دو نوع است، یکی در طرف افراط و دیگری در طرف تفریط، با این بیان «رذایل را اضرار فضایل نتوان گفت الا به مجاز» (همان)، اما دو رذیلتی که یکی در غایت افراط باشد و دیگری در غایت تفریط، ضد یکدیگرند (همان). بنابراین، مقصود از رد به اعتدال از طریق اضرار یعنی به هنگام مواجهه شدن با هر نوع رذیلت، چه در طرف افراط چه در طرف تفریط، مقابل آن رذیلت را از رذایل جست‌وجو کند و با استفاده از آن ضد، به حالت اعتدال نائل آید.

۱.۵.۲. قانون کلی طوسی در درمان

طوسی بر اساس اصل کلی، قانون کلی صناعی در معالجه امراض نفس مطرح می‌کند: «و بپاید دانست که قانون صناعی در معالجت امراض آن بود که اول اجناس امراض بدانند، پس اسباب و علامات آن بشناسند، پس به معالجه آن مشغول شوند» (همان: ۱۶۸)؛ و در موضعی دیگر می‌نویسد: «چون حقیقت هر یک را بشناسد و بر اسباب واقف شود، قمع آن اسباب و احتراز از آن بر منوال دیگر قبایح آسان شود بر طالب فضیلت» (همان: ۲۰۲).

شناخت بیماری و شناخت علامات و عوارض آن ضرورت دارد. سپس باید با توجه به اجناس امراض و رذایل، جنس آن را تشخیص دهیم و با تشخیص جنس آن، حالت اعتدال را مشخص کنیم تا به وسیله ضد آن، به درمان پردازیم. معالجه بیماری‌های نفس با شناخت عوامل بیماری صورت می‌گیرد؛ زیرا با برطرف شدن علتی که چنین فقدان اعتدالی را به وجود آورده است، فقدان اعتدال نیز به اعتدال می‌انجامد (همان: ۱۷۰).

۱.۵.۳. راهکارهای طوسی و الگوی وی در درمان

مواجهه طوسی در خلال پرداختن به هر یک از بیماری‌های مهلکه قوای نفس، مراحل دارد. در این موضع، مراحل مواجهه طوسی با بیماری‌های مهلکه نفس می‌آید. جدول ۱ بیانگر فرآیند درمان بیماری‌های نفس است.

۱. طوسی شناختن امراض نفس را اولین مرتبه می‌داند (همان: ۱۶۸ و ۲۰۲). وی در این موضع به تعریف و تمایز مصداقی بیماری‌های نفس می‌پردازد. تعریف بیماری‌های نفسانی و سپس یافتن اجناس امراض و توجه به حد وسط آن از مراحل تعریف است. طوسی غالب بیماری‌های نفس را از جمله جهل بسیط (همان: ۱۷۳)، جهل مرکب (همان: ۱۷۴)، عجب (همان: ۱۷۷)، جبن (همان: ۱۸۵) و عشق (همان: ۱۹۵) ... تعریف کرده است. در فرآیند تشخیص، تمایز مصداقی از دیگر رذایل (نظیر

تمایز حسد و غبطه (همان: ۲۰۱)، و تمایز تکبر و عجب (همان: ۱۷۹)) و بیان مصادیق (نظیر استهزاء (همان: ۱۷۹)) و بیان علامات و عوارض (همان: ۱۶۸) و علامات غضب (همان: ۱۷۷) آمده است.

۲. شناخت اسباب بیماری‌ها؛ به زعم طوسی، مرتفع شدن علل، سبب ارتفاع معلول و مرض می‌شود. طوسی به اسباب غضب (همان: ۱۷۷)، حزن (همان: ۱۹۶)، حسد (همان: ۲۰۰) و خوف از مرگ (همان: ۱۸۷) پرداخته است.

۳. مراحل درمان؛ مراحل درمان همان راهکارهای کلی طوسی در درمان بیماری‌های نفس است (همان: ۱۷۰-۱۷۲).

الف. اولین مرحله، انگیختن و ترغیب فرد به مقابله با بیماری و رهایی از آن است. طوسی در مقام انگیزش، به آثار مخرب بیماری‌ها (نظیر آثار کذب (همان: ۲۰۲)، ریا (همان: ۱۷۸)، طلب نفایس (همان: ۱۸۱) و غضب (همان: ۱۷۷))، بیان جایگاه انسانیت و مقایسه با حیوان (نظیر معالجه جهل بسیط (همان: ۱۷۳ و ۱۷۴) و کذب (همان: ۲۰۱-۲۰۲))، تغییر انگاره و نگرش، نظیر معالجه خوف از مرگ و بیان بی‌اساس بودن اسباب آن (همان: ۱۸۷ به بعد) و تغییر نگرش در باب افتخار به مال و جاه و ... (همان: ۱۷۸) و علاج از طریق ظرفیت مثبت و فضیلت مقابل پرداخته است؛ نظیر معالجه غضب از طریق ملکه کردن عدالت (همان: ۱۸۲) و معالجه ستم از طریق علم و حلم (همان: ۱۸۴). بنابراین، طوسی سه روش برای برانگیختن فرد به جدایی از بیماری نفس مطرح کرده است: ۱. آگاه کردن فرد از قبح آن رذایل و فساد آن در دین و دنیا؛ ۲. دوری از آن رذیلت به اراده عقلی؛ و ۳. مشغول کردن فرد به مداومت بر فضیلتی که به ازای آن رذیلت است و تکرار افعال آن.

ب. توبیخ و ملامت و مذمت نفس از طریق تعدیل قوه شهوی و غضبی به کمک یکدیگر و مجال یافتن تمییز قوت نطقی. طوسی مرض عشق را در اولین گام چنین درمان می‌کند. صرف فکر از محبوب و اشتغال به علوم دقیق و مجالست ندمای فاضل و احتراز از حکایات عشاق، از راهکارهای طوسی است (همان: ۱۹۵).

ج. طوسی برخی از بیماری‌ها را از طریق قمع و قهر آن به کمک اضداد معالجه کرده است: جهل بسیط و جهل مرکب از این دست است. وی همچنین علاج جبن را به کمک دوعای غضبی ضد آن تا رسیدن به مرتبه عدالت و وسط (شجاعت) می‌داند (همان: ۱۸۵).

د. طوسی در آخرین مرحله، به تنبیه اشاره می‌کند (همان: ۱۹۵).

جدول ۱: الگوی جامع طوسی در درمان بیماری‌های نفس

روش		مراحل مواجهه با بیماری‌های نفس		
تعریف دقیق از مرض	۱	تعریف	۱	۱ شناخت بیماری
تعیین اجناس امراض و یافتن حد وسط مقابل آن	۲			
علامات و نشانه‌ها	۱			
تمایز از دیگر ردایل مشابه	۲	تشخیص و تمایز مصداقی	۲	
بیان مصداقی آن	۳			
-----		شناخت اسباب و عوامل و برطرف کردن علل		
بیان آثار مخرب بیماری‌ها	۱	انگیزش و ترغیب	۱	۳ مراحل درمان و علاج
بیان جایگاه انسانیت و مقایسه با حیوان	۲			
تغییر انگاره و نگرش	۳			
علاج از طریق ظرفیت مثبت و فضیلت	۴			
تعدیل قوه شهوی و غضبی به کمک یکدیگر و مجال یافتن تمییز قوت نطقی		توبیخ و ملامت و مذمت نفس	۲	
استفاده از ردیلتی که ضد آن ردیلت است تا رساندن آن به حد اعتدال و رهاکردن معالجه در زمان نیل به وسط		قمع و قهر آن ردیلت به کمک ردیلت مقابل	۳	
انجام‌دادن افعال سخت و شاق و اقدام بر نذور و عهود		عقوبت	۴	

۱.۶. راهکارهای حفظ سلامت نفس و محافظت از فضایل

طوسی سلامت نفس را همان وضعیت عادی و طبیعی نفس، یعنی اعتدال و فضیلت، می‌داند. بنابراین، راهکاری برای نیل به سلامت نفس مطرح نکرده است. او فقط به چگونگی، چیستی و تحلیل فضیلت و حد وسط پرداخته است. سلامت، وضعیت طبیعی است و نیازی به راهکارهای نیل به آن وضعیت طبیعی نیست. اما حفظ فضایل و سلامت نفس، یعنی ملکه‌گردانیدن این فضایل تا رساندن به حد خُلُق، راهکارهایی دارد که طوسی در فصل نهم /خلاق ناصری به آن پرداخته است. از آنجا که سلامت نفس، اعتدال نفس است، حفظ سلامت نفس نیز با حفظ اعتدال مرتبط است. طوسی قانون حفظ صحت در طب بدنی را استعمال ملایم مزاج می‌داند (همان: ۱۵۵). بر این اساس، قانون طب روحانی نیز استعمال ملایم است. ملایم در این معنا، امری است که در اعتدال قوا معد است. طوسی راهکارهایی جزئی بر اساس این قانون کلی مطرح می‌کند، از جمله:

۱. معاشرت با اهل خیر و کمال؛ ۲. حذر از شنیدن حکایات و اشعار لغو؛ ۳. التزام وظایف افعال حمیده؛ ۴. فهم تمایز نعم مجازی از نعم شریفی (فضایل)؛ ۵. منع از تهییج قوت شهوت و غضب و استعمال آن به توسط قوت فکر؛ ۶. توجه دقیق به افعال؛ ۷. احتیاط از ملابست ردایل و صغایر سیئات و مساعدت اصحاب آن؛ ۸. آمادگی به کمک صبر و حلم برای دفاع نفس از هجوم شهوت

و غضب؛ ۹. [خودشناسی] شناخت عیوب نفس به استقصای تمام و داشتن دوستی خوب که آیینۀ تمام‌نمای عیوب باشد؛ ۱۰. مراقبه و محاسبه و ... (همان: ۱۵۵-۱۶۵).

۲. تحلیل فضیلت و طبقه‌بندی فضایل و رذایل نزد طوسی

فضیلت از مهم‌ترین مفاهیم اخلاق است. تحلیل فضیلت نزد طوسی به سبب آنکه از موجبات سعادت نزد او است و به عنوان سلامت نفس، از گام‌ها و مراحل سیر استکمالی است، اهمیت می‌یابد. سلامت، نزد طوسی، اعتدال قوای نفس بر اساس قانون عقل عملی، یعنی فضیلت، است و بیماری، برون‌شدن از چنین اعتدالی، یعنی رذایل، است. فضیلت، در معانی متعددی آمده است.^۱ مثلاً فضیلت «حکمت» نزد اخلاق‌نگاران متفاوت است (مک‌این‌تایر، ۱۳۹۰: ۳۰۷). برخی از نویسندگان به مفهوم فضیلت، مراتب آن و تعداد فضایل مطرح در هر سنت و جوامع مختلف پرداخته‌اند (نک: همان).

۲.۱. تحلیل فضیلت نزد طوسی

طوسی در رساله جبر و قدر، اخلاق ناصری به تبع ابن‌مسکویه در تهذیب الاخلاق (۱۳۸۱: ۶۶ به بعد)، شرح اشارات (نمط سوم؛ علم النفس) به تبع ابن‌سینا و در اساس الاقتباس، و به عبارت دیگر در غالب آثاری که از فضایل و رذایل سخن گفته است، فضایل نفس را به حسب تنوع قوای نفس تحلیل می‌کند. ارسطو نیز در تحلیل فضیلت به تحلیل قوای نفس می‌پردازد (الف: ۱۱۰۳). بر این اساس، در تحلیل فضیلت، به تحلیل قوای نفس می‌پردازیم.

الف. تحلیل قوای نفس در تناظر با فضایل نفس

طوسی دو تفسیر از یک طبقه‌بندی از قوای نفس، و به تبع آن فضایل و رذایل آورده است. تفاوت این دو، در وجه تقسیم قوای نفس و جایگاه فضیلت «عدالت» است. در تفسیر نخست، فضیلت عدالت، حالت حاصل از حصول فضیلت سه قوه نفس و همراهی و هماهنگی آنها است. در تفسیر

۱. برخی از محققان، پژوهشی از فهرست و معنای فضایل در جوامع قهرمانی مطرح کرده‌اند (مک‌این‌تایر، ۱۳۹۰: ۲۱۰ به بعد). در دوره جوامع قهرمانی، فضیلت می‌توانسته است ناظر به هر کیفیتی باشد که خود را بر اجرای نقش خویش در جامعه به روشی ستودنی توانا می‌سازد. مثلاً شجاعت و توان رزمی، فضایل مشخصه جنگ‌آوران اشرافی، و وفاداری و حیا فضایل مشخصه زنان است (همان؛ Porter, 2001: 96). تا آنکه سقراط، افلاطون و ارسطو در آرای خود، «آرته» را در معنایی اخلاقی معادل با فضیلت تثبیت کرده‌اند.

دوم، با توجه به تقسیم نفس ناطقه به عقل نظری و عقل عملی، فضیلت عدالت، فضیلت عقل عملی از نفس ناطقه است، اگر چه بعد از تحقق فضایل دیگر قوا و هماهنگی ایشان ایجاد می‌شود. یک. تفسیر اول طوسی در اخلاق ناصری؛ در اخلاق ناصری نفس به سه معنا است و دارای چند قوه: ۱. نفس نباتی؛ دارای سه قوه (غذایه، منمیه، تولید مثل)؛ ۲. نفس حیوانی دارای دو قوه؛ ادراک آلی (مشاعر ظاهر و حواس باطن) و تحریک ارادی؛ در دو قسم قوت شهوی و قوت غضبی؛ ۳. قوت نطق که خود به دو اعتبار تقسیم می‌شود: قوه نظری و قوه عملی (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۷؛ همو، ۱۳۷۵، ج ۲، نمط سوم؛ همو، ۱۳۳۵: ۲۰-۲۱). تقسیم طوسی از قوای نفس، اگر چه از تقسیم ارسطویی کامل‌تر است، اما اساس تحلیل ارسطو نیز چنین است (نک: ۱۱۰۲ ب تا ۱۱۰۳ الف، ۸۵ و ۸۶).

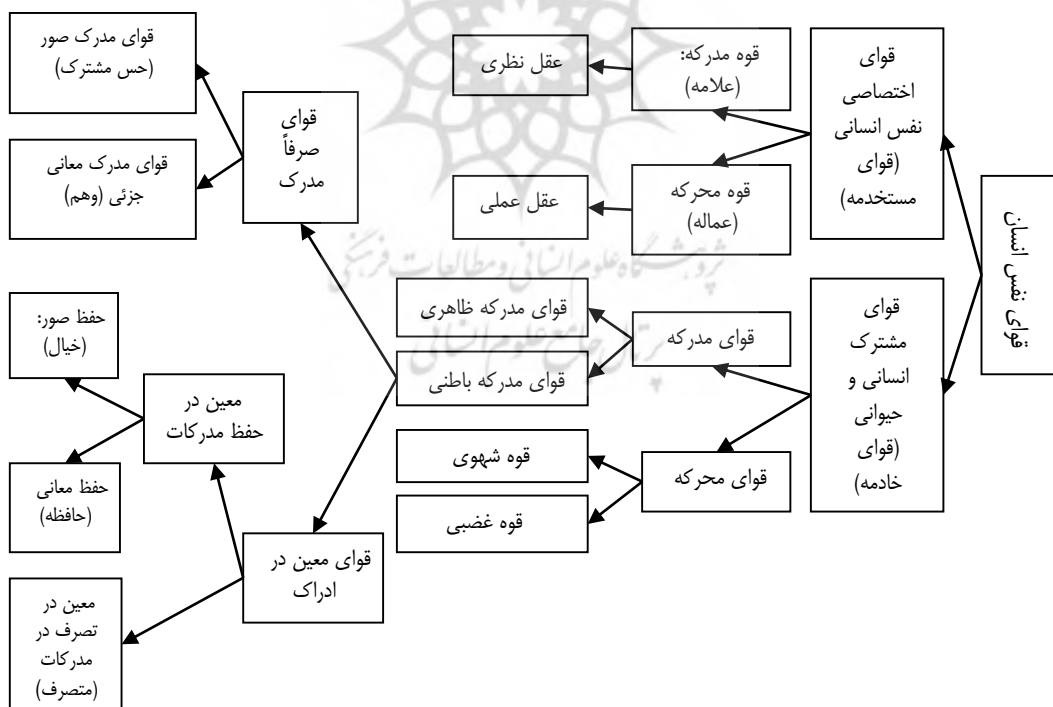
طوسی از میان قوای نفس فقط سه قوه را داخل در علم اخلاق می‌داند. زیرا فقط این قوای نفس‌اند که مبادی افعال و آثار، به مشارکت «رأی و رویت و تمییز و ارادت» می‌شوند (۱۳۸۷: ۵۸): قوه ناطقه (نفس ملکی)، قوه غضبی (نفس سبعی) و قوه شهوی (نفس بهیمی) (همان). طوسی این تفسیر را از تهذیب الاخلاق ابن مسکویه اخذ می‌کند (۱۳۸۱: ۶۶ و ۶۷).

بر اساس این تعدد قوای نفس، اجناس فضایل چهارگانه نفس مختلف می‌شوند. به زعم طوسی، فضیلت نفس ناطقه، «حکمت»، فضیلت نفس سبعی، «شجاعت» و فضیلت نفس بهیمی، «عفت» است. «عدالت» نیز هیئت و حالت حاصل از حصول فضیلت سه قوه نفس و هماهنگی آنها است. حکمت، فضیلت نفس ناطقه است که به مدرکات و موجودات، به حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۸-۱۱۱). بر این اساس، تبعیت نفس حیوانی از نفس ناطقه، دو فضیلت اخلاقی (به ترتیب: عفت و شجاعت) را موجب می‌شود و فضایل علمی ناشی از نفس ناطقه است. به اعتقاد ارسطو نیز، فضایل یا ۱. عقلانی‌اند (مثل حکمت نظری، عقل و حکمت عملی) یا ۲. اخلاقی‌اند (مثل سخاوت و اعتدال) (همان). طوسی در اخلاق ناصری از اعتدال فعل این قوا و تبعیت شهوت و غضب از «نفس ناطقه» سخن می‌گوید.

دو. تفسیر دوم طوسی؛ در موضعی دیگر از اخلاق ناصری، اساس الاقتباس، رساله جبر و قدر و شرح اشارات، تفسیری دیگر از تقسیم قوای نفس و فضایل آن مطرح می‌شود. در اخلاق ناصری می‌نویسد: نفس دارای دو قوه است: ۱. ادراک به ذات که به قوت نظری و عملی تقسیم می‌شود، ۲. تحریک به آلات که به دو شعبه تقسیم می‌شود: قوت دفع یعنی غضبی و قوت جذب یعنی شهوی. اگر تصرف هر یک از قوا در موضوعات خویش بر وجه اعتدال باشد، فضیلتی برای هر یک از قوا حادث می‌شود: از تهذیب قوه نظری، فضیلت حکمت، از تهذیب قوه عملی، فضیلت عدالت و از تهذیب قوه غضبی، فضیلت شجاعت و از تهذیب قوه شهوی، فضیلت عفت (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۰۹).

۱۱۰). در این تقسیم سه قوه (نظری، غضبی و شهوی) در صورت عمل به اعتدال، بر پایه عقل عملی، فضیلتی را حادث کرده و حصول فضایل این سه قوه، فضیلت عقل عملی یعنی «عدالت» است. در اساس الاقتباس نیز چنین تحلیلی مطرح شده است. او نفس را دارای سه قوه نطقی، غضبی و شهوی می‌داند. حکمت و عدالت از فضایل قوه نطقی، شجاعت از فضیلت قوه غضبی و عفت، فضیلت قوه شهوی است (طوسی، ۱۳۶۱ الف: ۵۵۳). طوسی حکمت را در دو بعد علم (تصورات و تصدیقات) و عمل (خلق عدالت در قوا) می‌داند (همان: ۴۱۰). در شرح/اشارات نیز به تبع ابن‌سینا چنین تحلیلی مطرح می‌شود (۱۳۷۵، ج ۲، نمط سوم). تحلیل طوسی در رساله جبر و قدر نیز چنین است (۱۳۳۵: ۲۰-۲۱). اما طوسی در این دو اثر، فقط به تحلیل قوا پرداخته و از فضایل آنها نام نبرده است. در شرح/اشارات «قوه عملی» را قوه مدرکه در انجام دادن حرکات اختیاری انسانی و دخیل در نیل به فضیلت می‌داند (۱۳۷۵، ج ۲، ۴۱۱). نمودار ۱ بیانگر تقسیم طوسی از قوای نفس، در شرح اشارات و رساله جبر و قدر است.

نمودار ۱: تقسیم طوسی از قوای نفس در شرح اشارات و رساله جبر و قدر



۲.۲. وامداری طوسی از پیشینیان در تحلیل فضایل

اگرچه تحلیل طوسی از قوای نفس و فضایل آن، وامدار دیدگاه ارسطویی است، اما بیان طوسی از تعداد فضایل مطرح، یعنی فضایل اربعه، همگام با دیدگاه ابن‌مسکویه (۱۳۸۱: ۶۷) و متفاوت با دیدگاه ارسطویی است. ارسطو فضایل اخلاقی و فضایل عقلانی جزئی فراوانی مطرح می‌کند و در این فضایل، فقط به فضایل اربعه مشیر نیست. توجه به فضایل اربعه (حکمت، عفت، شجاعت، عدالت) که در اخلاق ناصری به تبع ابن‌مسکویه و دیگران آمده است، وامدار توجه افلاطون به این فضایل خاص است. افلاطون در جمهوری به نظریه طبیعت سه‌جزئی نفس اشاره کرده است: جزء عقلانی، جزء همت و اراده، و جزء میل و شهوانی. فضیلت جزء عقلانی «حکمت»، فضیلت جزء اراده، «شجاعت» و فضیلت جزء میل «خویشتن‌داری و اعتدال» است. هر یک از اجزاء تحت حکمرانی عقل به فضیلت خویش نائل می‌آید (خردگرایی افلاطونی) و فضیلتی با عنوان «عدالت»، به عنوان فضیلت چهارم نفس، حالتی از نفس است که هر کدام از اجزاء تحت حکمرانی عقل به فضیلت خویش نائل آمده و با یکدیگر هماهنگ‌اند (افلاطون، ۱۳۹۰: ۲۵۴ به بعد، ۴۴۱-۴۴۲؛ Plato, 1997: 441-442). واژه «فضیلت» مد نظر طوسی، به معنای آنچه امروزه تحت عنوان «فضیلت»^۱ به طور خاص محل بحث قرار می‌گیرد، نیست، بلکه اعم از آن است؛ زیرا فضایل جزء عقلانی را نیز در بر دارد. همچنین «فضیلت» مد نظر طوسی، از مفهوم «آرته»^۲ آدر فرهنگ یونانی حاکم بر تفکر ارسطویی (مثلاً نوشته‌های هومر) که علاوه بر فضایل، مزایای خلقی، حالت‌ها و منش‌های شخصیتی و رفتاری (روان‌شناختی) و حتی گاه ویژگی‌های نژادی، افتخار، ثروت و ... را نیز در بر می‌گیرد (یگر، ۱۳۷۶: ۴۱-۴۳) تنگ‌تر است.

۲.۳. بستر تحقق فضیلت (تحلیل قانون وسط) و رذایل مقابل آن

طوسی اگرچه در تحلیل فضایل اربعه و قوای نفس وامدار افلاطون است، اما در چگونگی حصول فضیلت بسان ارسطو معتقد به قانون «وسط» و دوری از افراط و تفریط است. البته طوسی در برخی مواضع نیز بسان افلاطون و با ارجاع به او (۱۳۸۷: ۷۷)، از حکمرانی عقل بر قوا و نیل ایشان به فضیلت می‌نویسد. هر یک از سه نفس را سه حالت افراط، اعتدال و تقصیر است. فضیلت در اعتدال بودن هر سه نفس است. اعتدال نفس شهوی و غضبی بر اساس نفس ناطقه تعیین می‌شود. به اعتقاد طوسی، از تدبیر نفس ملکی اتحاد آن دو نفس دیگر، سبعی و بهیمی، با او لازم می‌آید چنان‌که گویی هر سه در حقیقت یک چیزند (همان: ۵۸ و ۷۶-۷۹).

1. virtue
2. arete

حصول فضیلت به قانون وسط و دوری از افراط و تفریط در اخلاق ناصری نظریه‌پردازی شده است. این تحلیل یادآور نوعی خردگرایی در اخلاق (خردگرایی به مفهوم ارسطویی و نه خردگرایی افلاطونی) است. طوسی بسان ارسطو (۱۳۸۱، ۱۱۰۴ الف)، بستر تحقق فضیلت را رعایت حد وسط و دوری از افراط و تفریط معرفی می‌کند (۱۳۸۷: ۱۱۷). با این بیان، فضیلت در وسط است و رذایل در اطراف، و رعایت حد وسط و دوری از افراط و تفریط، از طریق عقل عملی صورت می‌گیرد (ارسطو، ۱۳۸۱، ۱۱۰۶ تا ۱۱۰۷ الف؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). فارابی نیز در *التنبیه علی سبیل السعادة*، بر چنین قولی است (۱۹۸۷: ۵۹). وی راهکارهایی برای سنجش وسط و نیل به آن مطرح کرده است (همان: ۶۶). دیدگاه فارابی بر نیل به اعتدال، از دیدگاه‌های وی در طب جسمانی و ملاحظه وضعیت سلامت بدنی آدمی کسب هویت می‌کند (همو، ۱۹۹۵، ۸۵).

طوسی بسان ارسطو (۱۳۸۱، ۱۱۰۶ ب: ۹۹) در تحلیل مفهوم «وسط» آن را بر دو معنا می‌داند: «یکی آنچه فی‌نفسه وسط است میان دو چیز، مانند چهار که وسط بود میان دو و شش و انحراف آن از وساطت محال است، و دیگر آنچه وسط بود به‌اضافت، مانند اعتدالات نوعی و شخصی به نزدیک اطبا. و اعتبار وسط در این علم هم از این قبیل باشد» (۱۳۸۷: ۱۱۸). مقصود از وسط فی‌نفسه، وسط در مفهوم هستی‌شناسی است، در حالی که وسط اخلاقی، مفهومی ارزشی و نسبی است و ممکن است نسبت به افراد مختلف، و اوضاع و احوال مختلف تفاوت داشته باشد: «و از اینجا است که شرایط هر فضیلتی به حسب هر شخصی مختلف شود، و به اختلاف ازمنه و غیر آن هم اختلافی لازم آید، و به ازای هر فضیلتی از فضایل شخص معین، رذایل نامتناهی باشد» (همان). طوسی اجناس رذایل را به دو طرف افراط و تفریط تقسیم می‌کند (همان: ۱۱۹). کاپلستون به نقل از هارتمان، نمودار وسط ارسطویی را گزارش کرده که در آن بُعد هستی‌شناسی و بُعد ارزشی نمایانگر است (۱۳۸۰، ج ۱: ۳۸۵). فارابی نیز در *فصول منتزعه* با تحلیل فضایل به هیئات نفسانیه متوسطه بین دو هیئت رذیلت: زیاده‌روی و نقص، به وسط فی‌نفسه و وسط نسبی اشاره کرده است (۱۴۰۵: ۳۷).

۲.۴. فضایل در آثار نقلی‌روایی و آثار سلوکی‌عرفانی

آنچه پیش از این در تحلیل فضیلت نزد طوسی آمد، فضیلت در آثار عقلی‌فلسفی است. طوسی در اثر نقلی‌روایی خویش، *اخلاق محتشمی*، از فضایل ارسطویی دست می‌شوید و در پی ترسیم الگویی مطابق با سنت اسلامی است. طوسی در این کتاب تحلیلی از فضیلت مطرح نکرده است اما فضایل را نه مانند الگوی یونانی، بلکه به طریقی دیگر ترسیم می‌کند. همچنین، وی در آثار

عرفانی سلوکی نظیر *اوصاف الاشراف* و *شرح اشارات* نمط نهم، فضایل را به عنوان عملکرد حد وسط قوا تحلیل نمی‌کند، بلکه از تخلق به اخلاق الهی، فضایل بالادستی (یعنی معرفت نه در حد وسط بلکه در نهایت) و تشبه به اوصاف الهی سخن می‌گوید.

۲.۵. طبقه‌بندی فضایل و رذایل در نوشته‌های طوسی

طوسی طبقه‌بندی‌های مختلفی از فضایل و رذایل مطرح کرده است. در این مقام به طبقه‌بندی طوسی در *اخلاق ناصری*، *اساس الاقتباس* و *اخلاق محتشمی* می‌پردازیم. در *اخلاق ناصری* دو گونه طبقه‌بندی مطرح شده است.

۲.۵.۱. طبقه‌بندی نخست طوسی در *اخلاق ناصری*

الف. فضایل اربعه (اجناس فضایل) و مقابل آن؛ به اعتقاد طوسی، از آنجا که فضایل در چهار جنس است، در بادی نظر، اعداد آن که اجناس رذایل‌اند، چهار جنس به نظر می‌آیند. اما با رد نظام دوازده‌گانه می‌نویسد: «هر فضیلتی را حدی است که چون از آن حد تجاوز نمایند، چه در طرف غلو و چه در طرف تقصیر، به رذیلتی ادا کند، ... پس هر فضیلتی به مثبت وسط باشد و رذایل که به ازای او باشند به منزلت اطراف» (۱۳۸۷: ۱۱۷). از آنجا که وسط یک حالت و محدود است، اما اطراف نامحدودند و هر نقطه‌ای غیر از وسط را شامل‌اند (همان: ۱۱۷ و ۱۱۸)، انواع رذایل پیش می‌آید. بنابراین، وضعیت بیماری در افراد مراتب دارد و بیمار و بیمارتر خواهیم داشت. به اعتقاد طوسی، چون انحرافات راجع به دو نوع است، یکی آنچه از طرف افراط لازم آید و دیگر آنچه در طرف تفریط، بنابراین به ازای هر فضیلتی دو جنس رذیلت است که آن فضیلت وسط است و آن دو رذیلت دو طرف آن. بر این اساس، جدول اجناس فضایل و مقابلات آن بر اساس تحلیل «وسط» و افراط و تفریط آن قابل طرح است (همان: ۱۱۷-۱۲۲) (جدول ۲). به اعتقاد طوسی، تعیین‌کننده اوساط در هر چیزی که با معرفت آن، اعتدال حاصل آید، ناموس الهی است. در واقع، واضح عدالت، ناموس الهی است (همان: ۱۳۳). این بیان نوعی خدامحوری در اخلاق و نقش دینداری را در خلق بیان می‌کند. بر این اساس، دیدگاه طوسی در *اخلاق ناصری* را در باب حد وسط نمی‌توان غیردینی و بدون توجه به شریعت تفسیر کرد. تأکید بر ناموس الهی، بر پایه دیدگاه‌های اعتقادی اسماعیلی اهمیت خاصی دارد (Madelung, 2011). همچنین، طوسی، تقوا را مکمل اخلاق می‌داند و معتقد است نیل به فضایل از طریق تقوای الهی تکمیل می‌شود (همان: ۱۱۶).

جدول ۲: اجناس فضایل اربعه و ردایل مقابل آن نزد طوسی

اجناس ردایل		فضیلت: وسط	
تفریط	افراط		
بَلَه: تعطیل این قوت به ارادت نه از روی خلقت	سَفَه (گُرُزِی): استعمال قوت فکری در آنچه واجب نبود یا زیادت از حد واجب	حکمت	۱
جُبُن: حذر از چیزی که حذر از آن محمود نبود	تَهَوْر: اقدام بر آنچه اقدام کردن بر آن جمیل نباشد	شجاعت	۲
خمود شهوت: سکون از حرکت در طلب لذات ضروری که شرع و عقل در اقدام بدان رخصت داده است از روی ایثار و نه نقصان خلقت	شَرَه: ولوع بر لذات زیادت از حد واجب [مقدار تمتع از لذات جسمانی]	عفت	۳
انظلام	ظلم: تحصیل اسباب معاش بود از وجوه ذمیمه	عدالت	۴

ب. انواع فضایل تحت اجناس فضایل و مقابلات آنها؛ طوسی انواعی را نیز تحت هر یک از اجناس فضایل و ردایل نام برده است. به اعتقاد وی، تحت اجناس چهارگانه فضایل، انواع نامحصور است که از ترکیب بعضی با بعض دیگر فضیلت‌های بی‌اندازه تصور می‌توان کرد (۱۳۸۷: ۱۱۷).

۲.۵.۲. طبقه‌بندی دوم طوسی در اخلاق ناصری

در طبقه‌بندی دیگر، طوسی، صرفاً در بیان طبقه‌بندی ردایل و بیماری‌های نفس است و به فضایل مقابل آن توجهی ندارد. به اعتقاد طوسی، ردایل نفس یا ۱. ردایل بسیطه‌اند که در قوای نفس حادث می‌شود، ۲. یا ردایل مرکبه که از ترکیب ردایل برمی‌خیزد (همان: ۱۶۹). قوای نفس محصور است در سه نوع: قوت تمییز، قوت دفع و قوت جذب. انحرافات هر یک نیز به دو گونه است: یک. از خللی که در کمیّت قوت است و دو. از خللی که در کیفیت قوت است. خلل کمیّت نیز، یا الف. از مجاوزت اعتدال است به جانب زیادت و افراط، یا ب. از مجاوزت اعتدال است به طرف جانب نقصان و تفریط. بر این اساس، ردایل هر قوتی سه جنس است: ۱. به حسب افراط؛ ۲. به حسب تفریط؛ و ۳. به حسب ردائت (همان: ۱۶۸). جدول ۳ طبقه‌بندی اجناس امراض بسیطه قوای سه‌گانه نفس است.

جدول ۳: طبقه‌بندی اجناس امراض بسیطه

ردیف	رذایل قوای نفس	افراط	تفریط	رذائت؛ فساد و تباهی
۱	قوت تمییز	خبث، گریزی، دها در عمل و حکم بر مجردات با اوهام در نظر	بلاهت و بلادت در عمل و قصور نظر از مقدار واجب	شوق به علوم غیرمثمر در کمال (جدل، سفسطه) و کهانت و فال و شعبده و کیمیا با غرض وصول به شهوات خسیسه
۲	قوت دفع	شدت غیظ و انتقام نه به موضع خویش و تشبه به سیاع	بی‌حمیتی و سستی و تشبه‌جستن به زنان و کودکان	شوق به انتقامات فاسده (خشم بر جمادات و بهایم یا انسان ولی نه به سبب صحیح)
۳	قوت جذب	شکم‌پرستی و حرص بر اکل و شرب و عشق	فتور از طلب اقوات ضروری و حفظ نسل و خمود شهوت	اشتهای خوردن گِل، مقاربت ذکور و ...

طوسی در اخلاق ناصری، به تمامی اجناس رذایل و امراض بسیطه و مرکبه و انواع تحت آن نپرداخته است. بلکه در تقسیمی دیگر، رذایل و بیماری‌های نفس را به دو قسم مهلکه و غیرمهلکه تقسیم می‌کند و صرفاً بیماری‌های مهلکه نفس را بیان می‌دارد. حسد، کذب، صلف (لاف‌زدن)، بخل و ریا از رذایل مرکبه نفس است. جدول ۴ بیانگر رذایل و امراض بسیطه مهلکه قوای نفس نزد طوسی است.

جدول ۴: رذایل بسیطه مهلکه قوای نفس

ردیف	رذایل قوای نفس	افراط	تفریط	رذائت؛ فساد و تباهی	
۱	قوت نظری	حیرت			
۲	قوت دفع	غضب	عجب	جین و بددلی	خوف (خوف از مرگ)
			افتخار		
			مرا و ریا		
			لجاج		
			مزاح		
			تکبر		
			استهزاء		
			غدر و خیانت		
			ضیم و ستم		
			طلب نفایسی که موجب منافست و محاسدت شود		
۳	قوت جذب	افراط شهوت؛ شره و شهوت نکاح (عشق)	محبت بطالت	حزن	

۲.۵.۳. طبقه‌بندی فضایل و رذایل در اخلاق محتشمی

بیان طوسی در اخلاق محتشمی از فضایل و رذایل فاقد نوعی طبقه‌بندی است. در این مقام می‌کوشیم نوعی طبقه‌بندی از فضایل و رذایل در اخلاق محتشمی مطرح کنیم. اخلاق محتشمی، بیان چهل باب در مکارم اخلاق و اکتساب خیرات است تا هر روز با تفقد یکی از مراتب و اقتناء کرامات، اسباب سعادت فراهم شود (طوسی، ۱۳۷۷: ۵). سلامت نفس و حفظ فضایل و صحت، و معالجه امراض نفس و دفع موانع، به عنوان مقدمه و از شرایط سعادت است. اکتساب خیرات و کرامات در اخلاق محتشمی در پنج مرحله کلی خلاصه می‌شود:

۱. آنچه آغاز مسیر سلوک، و مقدمه سیر اخلاقی است. معرفت به خدا، نبوت، امامت و ... در مرتبه نخست است (باب ۱-۵).

۲. اجتناب از رذایل و تحلی به فضایل؛ این مرحله ابتدا در عقل نظری مطرح می‌شود، کسب علم از فضایل قوت نظری است (باب ۶) و سپس در ناحیه عقل عملی و اخلاق و فضایل و رذایل قوه شهویه و غضبیه مطرح می‌شود (باب ۷-۳۲). بیان طوسی معطوف به فضایل است و ذکر رذایل، پس از بیان فضایل مقابل آنها می‌آید. جدول ۵ بیان فضایل/اخلاق محتشمی و رذایل مقابل آن است.

۳. حفظ سلامت و محافظت از فضایل نفس (باب ۳۳-۳۷).

۴. با ملکه‌گردانیدن سلامت نفس و فضایل، سعادت و کسب خیرات به میان می‌آید (باب ۳۸) و در ادامه ۵. با ذکر نصایح و پندها و اندرزها، حفظ سعادت نفس اهمیت می‌یابد (باب ۳۹ و ۴۰).

جدول ۵: طبقه‌بندی فضایل و رذایل اخلاق محتشمی

ردیف	قوای نفس	فضایل قوا	رذایل (افراط و تفریط)
۱	نفس ناطقه	علم و عقل	-
۲	قوت دفع	۱	حلم و عفو و کظم غیظ
		۲	تواضع و خفص جناح
		۳	شجاعت و نجدت و ثبات قدم
۳	قوت جذب	۱	عفت و قمع شهوات
		۲	سخا
		کرم	بخل و سُخ و امساک
		ایثار	

۲.۵.۴. طبقه‌بندی فضایل و رذایل در فن خطابه/اساس الاقتباس

طوسی در *اساس الاقتباس* به فضایل اربعه اشاره کرده است. قوه نطقی با دو فضیلت، یعنی حکمت و عدالت، قوه غضبی با فضیلت شجاعت و قوه شهوی با فضیلت عفت، فضایل اصلی را در *اساس الاقتباس* تشکیل می‌دهند (۱۳۶۱ الف: ۵۵۳). طوسی این فضایل اربعه را انواع قریب فضیلت می‌خواند و به انواع تحت آنها اشاره می‌کند. بیان طوسی خالی از نظم است و مشخص نکرده است کدامین انواع تحت کدام فضیلت قریب است. جدول ۶، نمایانگر طبقه‌بندی *اساس الاقتباس* است.

جدول ۶: طبقه‌بندی فضایل و رذایل در *اساس الاقتباس*

ردیف	قوای نفس	فضایل قوا و انواع تحت آن		رذایل (افراط و تفریط)
۱	قوه ناطقه	حکمت		
		عدالت		
۲	قوت دفع	شجاعت	۱	ذکر نشده است
			۲	
			۳	
۳	قوت جذب	عفت	۱	ایثار
			۲	حیا

نتیجه

معالجه بیماری‌ها و سلامت نفس نزد طوسی، نه به عنوان هدف اخلاق، بلکه به عنوان یکی از مراتب کمال و سعادت و از شروط لازم و نه کافی نیل به غایت اخلاق است. طوسی سلامت نفس را نظیر طب، در اعتدال قوا می‌داند. اعتدال قوا نزد وی به دیدگاه ارسطویی باز می‌گردد. بر این اساس، سلامت نفس همان فضیلت است که وضعیت طبیعی نفس انسان است. برون‌شدن از چنین اعتدالی، رذیلت و بیماری نفس است. طب روحانی به ۱. معالجه امراض نفس، ۲. سلامت نفس (فضایل) و ۳. حفظ سلامت نفس (ملکه‌گرداندن فضایل) می‌پردازد. بنابراین، توجه به فضایل و ملکه‌گرداندن آن در طب طوسی راه می‌یابد و این، تمایز دیدگاه طوسی از زکریای رازی راه، که در طب روحانی فقط معطوف به رذایل است، نشان می‌دهد. توجه به فضایل، به سبب اخلاق کمال‌محور طوسی است، زیرا وی اخلاق را صرفاً در بهبودی از بیماری‌ها خلاصه نمی‌کند و به کمالات بالادستی می‌پردازد. از آنجا که وضعیت طبیعی نفس، سلامت است، طوسی راهکاری برای نیل به فضایل مطرح نمی‌کند، اما در معالجه امراض نفس و حفظ صحت آن، راهکارهایی را پیش می‌کشد. طوسی فضایل نفس را از طریق تناظر با قوای نفس تحلیل می‌کند. تأکید وی بر فضایل چهارگانه وامدار

توجه افلاطون در جمهور است. طوسی بسان ارسطو بستر تحقق فضیلت را رعایت حد وسط معرفی می‌کند. با این بیان فضیلت در وسط است و رذایل در اطراف و رعایت حد وسط و دوری از افراط و تفریط، به وسیله عقل عملی صورت می‌گیرد. طوسی به انواع تحت فضایل و رذایل مقابل هر یک و اصناف تحت انواع اشاره داده است. طبقه‌بندی طوسی از فضایل و رذایل در *اخلاق ناصری*، *اخلاق محتشمی* و *اساس الاقتباس* تبیین شده است. در این جستار، با تبیین سلامت نفس نزد طوسی و تأکید بر مؤلفه فضیلت، به مقایسه گونه‌هایی از آرای برخی اندیشمندان در مسائل مرتبط پرداخته شده است. مثلاً رازی انسان سالم اخلاقی را کسی می‌داند که از بیماری‌های اخلاقی و رذایل دور باشد، صرف ظالم‌نبودن، شهوتران‌نبودن و چون آنها با رویکرد طبیعانه نگاه می‌کنند. در این مواجهه فقط یک گزاره شرطی است: «اگر فرد الف در حالت برون‌شد و رهایی از رذایل نفس باشد، او بهره‌مند از سلامت است». اما طوسی چون عارف و فیلسوفی متعالی است، نمی‌تواند بیمار‌نبودن را نشانه «انسان مطلوب و خوب» بداند؛ زیرا وی در درجات بالاتر اخلاق، به تخلق به اخلاق الهی می‌اندیشد و صرفاً طبیب نیست. انسان خوب نزد طوسی صرفاً شخصی نیست که ظالم، شهوتران و ... نباشد؛ بلکه او، فراتر از این، انسان خوب را متحلی به فضایل می‌داند؛ یعنی حداقل درجه خوبی و سلامت اخلاقی، عادل‌بودن، شجاع‌بودن و سایر فضایل اخلاقی است. از این‌رو، یک گزاره دو طرف شرطی دارد: «الف خوب و سالم است اگر و فقط اگر متحلی به فضایل خاصی باشد». این فضایل خود در قالب ارسطویی‌افلاطونی بیان شده است. بنابراین، فضایی که فقط در جداول فضایل و رذایل‌اند برای تحقق انسان خوب کافی است. اما آنچه ورای آن است، مثل فضایی چون ایثار، صبر، رضا و فضایل بالادستی، در حداقل مرتبه انسان خوب نمی‌گنجد، بلکه در مدارج بالاتر کمال است. طوسی در مدارج بالاتر کمال از الگوهای اسلامی تبعیت کرده است؛ مثلاً در *اوصاف الاشراف* بر اساس آیات و روایات سخن گفته، اما هنگام بیان حداقل مرتبه تحقق انسان خوب، الگوی افلاطونی‌ارسطویی عرضه می‌کند و جدولی از فضایل و رذایل در ادبیات دینی ترسیم نکرده است. شاید چون وی در بیان حفظ صحت نفس در پی شرح است؛ شرحی بر اخلاق ارسطویی و نگارش *اخلاق ناصری*. شاید بتوان بر اساس کتب دیگر طوسی همچون *اوصاف الاشراف*، شرح اشارات و *اخلاق محتشمی* جدولی از فضایل و رذایل مبتنی بر فکر اسلامی و متعالی طوسی برای حداقل مرتبه آن ترسیم کرد که خود چنین کاری نکرده است.

منابع

- ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد (۱۳۸۱)، تهذیب الاخلاق، ترجمه و شرح: علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- احمدپور، مهدی؛ و دیگران (۱۳۸۶)، کتاب شناخت اخلاق اسلامی: گزارش تحلیلی میراث مکاتب اخلاق اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- ارسطو (۱۳۸۱)، اخلاق نیکوماخس، ترجمه: سید ابوالقاسم پورحسینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ج ۱ و ۲.
- افلاطون (۱۳۹۰)، جمهور، ترجمه: فؤاد رحمانی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم.
- بلخی، ابوزید احمد بن سهل (۱۹۸۹/۱۴۰۵)، مصالح الابدان والانفس، به کوشش: فؤاد سزگین، فرانکفورت: بی‌نا.
- الرازی، ابوبکر محمد بن زکریا (۱۳۹۳/۱۹۷۳)، رسائل فلسفیه مضاف الیه قطعاً من کتبه المفقودة، تحقیق: پُل کرواس، بیروت: دار الافاق الجديدة (الطب الروحانی).
- طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد (۱۳۷۴)، آغاز و انجام، شرح و تعلیقات: آیت‌الله حسن‌زاده آملی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۳۷۷)، اخلاق محتشمی، تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- (۱۳۸۷)، اخلاق ناصری، تصحیح: مجتبی مینوی، علی‌رضا حیدری، تهران: خوارزمی، چاپ ششم.
- (۱۳۶۱ الف)، اساس الاقتباس، تصحیح: مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- (۱۳۶۱ ب)، اوصاف الاشراف، تصحیح: نجیب مایل هروی، مشهد: انتشارات امام.
- (۱۳۷۳)، اوصاف الاشراف، تصحیح: سید مهدی شمس‌الدین، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.
- (۱۴۰۷)، تجرید الاعتقاد، تحقیق: حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- (۱۳۶۳)، روضة التسلیم یا کتاب تصورات، تصحیح: ولادیمیر ایوانف، تهران: جامی.
- (۱۳۷۵)، شرح الاشارات والتنبیها، قم: نشر البلاغه، چاپ اول.
- (۱۳۳۵)، مجموعه رسائل طوسی، تصحیح: محمدتقی مدرس رضوی، یادبود هفتصدمین سال خواجه طوسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد (۱۹۹۵)، آراء اهل المدینة الفاضلة و مضاداته، شرح و تعلیق: علی بوملحم، بیروت: مکتبة الهلال، الطبعة الاولى.

- _____ (۱۹۸۷)، *التنبیه علی سبیل السعادة*، تحقیق: جعفر آل یاسین، بیروت: بی‌نا، الطبعة الثانية.
- _____ (۱۴۰۵)، *فصول منتزعة*، تحقیق و تصحیح: فوزی نجا، تهران: مکتبه الزهراء (ع)، الطبعة الثانية.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶)، *فلسفه اخلاقی*، ترجمه: هادی صادقی، قم: طه، چاپ اول.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۱)، *نظریه اخلاقی محمد بن زکریای رازی*، تهران: انتشارات مؤسسه حکمت.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۰)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه: سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران: سروش و علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ج ۱.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- مک‌این‌تایر، السدیر (۱۳۹۰)، *در پی فضیلت: تحقیقی در نظریه اخلاقی*، ترجمه: حمید شهریاری و محمدعلی شمالی، تهران: سمت.
- یگر، ورنر (۱۳۷۶)، *پایدیا*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی، ج ۱ و ۲.
- Madelung, Wilferd (2011), "Nasir al-Din Tusi's Ethics: Between Philosophy, Shi'ism and Sufism", in: *Ethics in Islam*, in 1985 edited by Richard G. Hovannisian, Undena Publications, Malibu, California, Ref: The Institute of Ismaili Studies.
- Plato (1997), *Plato Complete Works*, (Republic, translated by G. M. Grube, rev. C. D. C. Reeve) edited by John M. Cooper and associate editor D. S. Hutchinson, Hackett.
- Porter, J. (2001), "Virtue Ethics", in: Robin Gill (ed.), *The Cambridge Companion to Christian Ethics*, Cambridge: Cambridge University Press.